



# نثر داستانی معاصر



(۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷)

از مکتب ادبی سوررئالیسم فرانسه از جمله سه قطره خون و زنده به گور و بوف کور (۱۳۱۵) هدایت

۴- تأثیرپذیری برخی نویسندگان از سبک نویسندگان امریکایی از جمله در نوشته های ابراهیم گلستان

۵- پیدایی داستان های ناتورالیستی تحت تأثیر ناتورالیسم زولایی از جمله آثار صادق چوبک

۶- پیدایی رمان جریان سیال ذهن تحت تأثیر فاکتور و ... از جمله شازده احتجاب از هوشنگ گلشیری

۷- پیدایی رمان ها و ادبیات اقلیمی و روستایی تحت تأثیر رئالیسم نویسندگان واقع گرا و اجتماع نگار روسیه و فرانسه مانند کلیدر (۱۳۵۹) از محمود دولت آبادی

۸- پیدایی رمان رئالیسم جادویی تحت تأثیر مارکز نویسندگی صد سال تنهایی از جمله اهل غرق (۱۳۶۸) از منیر وروانی پور

## نقادی

نقد آن چه مربوط به گذشته است و ارائه ی نمونه های جدید، به ایجاد نثر نوین کمک بسزایی کرده است. این مهم را منتقدان به عهده داشتند. آنان درباره ی فرهنگ عمومی، عقاید و رسوم اجتماعی، فلسفه ها و بینش ها، متون کهن، داستان و قصه و زبان و ادبیات حرف های بسیاری زدند.

از لحاظ اجتماعی نقادان مترقی خواه و اصلاح طلب بودند و در مواجهه با استعمارگران، میهن دوست و ملیت خواه.

م. ف. آخوندزاده می گفت: «به هر چه که دست می زنی ایجاب می کند که از آن انتقاد شود»<sup>۵</sup> میرزا آقا تبریزی نوشته: «دور

سیاحت نامه و مسالک المحسنین از نظر هنر داستان نگاری جدید معایب بسیاری دارند با این حال در روزگار خود از اصیل ترین آثار داستانی به شیوه ی نوین به شمار می آیند و از لحاظ محتوای انتقادی و مضامین سیاسی و ارائه ی اندیشه های اصلاحی و اجتماعی، راهنمای داستان نویسان بعدی هستند.

## ترجمه

نخستین نشانه های تحوّل نثر را بعد از نثر منشیانه و سفرنامه ای باید در ترجمه های دوران قاجاری دید. ایرانیان از راه ترجمه با سرچشمه های ادب اروپا و نثر داستانی و توصیفی و مکاتب ادبی آن سامان آشنا شدند.

ترجمه در آغاز از رمان ها و داستان ها به عمل می آمد. برای نمونه ترجمه ی «حاجی بابای اصفهانی»<sup>۱</sup> و دیگر نوشته های مولیر از میرزا حبیب اصفهانی (فوت ۱۳۱۵ ه. ق) و ترجمه ی طیب اجباری (۱۲۹۱ ه. ق) از اعتماد السلطنه و اتلسلوی شکسپیر (۱۲۹۳ ه. ش) از ناصر الملک و نیز ترجمه ی آثار الکساندر دوما از محمد ظاهر میرزا اسکندری و ترجمه ی ستارگان فریب خورده و یا حکایت یوسف شاه سراج (۱۲۵۳ ه. ش) از فتحعلی آخوندزاده به وسیله ی میرزا جعفر قراچه داغی<sup>۲</sup>

نهضت ترجمه در نثر و اسلوب داستان نگاری فارسی تأثیری عظیم نهاده است و هنوز هم می نهد، تا آن جا که می توان شیوه ها و مکتب های زیر را پیامد ترجمه دانست:

۱- پیدایی رمان تاریخی تحت تأثیر رمان های تاریخی نویسندگان فرانسه

۲- پیدایی داستان کوتاه ابتدا در یکی بود یکی نبود جمال زاده و شکل متکامل آن در داستان های صادق هدایت و ادامه ی آن تاکنون<sup>۳</sup>

۳- رواج داستان های سوررئالیستی با تأثیر

کومت و دربار قاجاری پرداخت و کتاب سیه داستانی و انتقادی آن دوران، یاحت نامه ی ابراهیم بیگ از زین العابدین سراغه ای (۱۲۵۵-۱۳۲۸ ه. ق) و مالک المحسنین از عبدالرحیم طالبوف ریزی (۱۲۵۰-۱۳۲۹ ه. ق) نیز در قالب فرنامه های خیالی نوشته شده اند و هر دو ری تجسمی و توصیفی دارند.

مراغه ای در سیاحت نامه افکار سوداگران اقبال نوپا را توصیف کرد و به اهمیت و نقش بد در تحولات اجتماعی، ستایش قهرمانان بیخ ایران چون شاه عباس و نادرشاه و امیرکبیر ترقی و پیشرفت اجتماعی و هجو شیوه ی لدگی و اخلاق سنتی پرداخت.

سیاحت نامه نخستین اثر داستانی است که مسأله ی غربت مهاجران سیاسی کشورهای دیگر می پردازد؛ موضوعی که دهها در آثار بزرگ علوی و اسماعیل فصیح هوشنگ گلشیری<sup>۱</sup> مورد توجه قرار گرفته است.

نثر هر دو کتاب متأثر از زبان محاوره ای زگار نویسندگان آن هاست و بر ادبیات بن نظر چندانی ندارد. سراغه ای خود نویسد: «گرچه این ساده نویسی در سبک رانیان تازگی دارد ولی مقتضای زمان ما داده نویسی است»<sup>۲</sup>

طالبوف نیز در مسالک المحسنین به است فرد در اجتماع و فدا کردن همه چیز تنی عشق در پای بت سیاست می پردازد. به مان او آن چه ارزش و اعتبار دارد، عقل و بیر و رشادت و شجاعت در راه آرمان و میهن است.

مسالک المحسنین با مایه های تخیلی و مانی نوشته شده و پیرنگی پیوسته و خصیّت پردازی در خور یک رمان کامل را دارد اما در توصیف به ویژه در وصف طبیعت مناظر ایرانی تابلوهای دلفریبی دارد.

گلستان و زینت المجالس گذشته است؛ امروز این قبیل تصنیفات به کار نمی آید، امروز تصنیفی که متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان است فن دراما و رمان است»<sup>۶</sup>

زین العابدین مراغه ای نوشت: «تاریخ و صاف را سه دفعه خواندم. یک کلمه از آن به خاطر ندارم. کسی نیست که بخواند و نویسنده را شماتت نکند؛ چه ابداً مفهوم نمی شود چنگیز چه غلط کرده و چه ظلم ها نموده و برای چه کرده و هلاکو چه...»<sup>۷</sup>

طالبوف می گفت: «ای ... دیوانه! بیست سال عمر در تحصیل لغظی تلف کرده و آخر در تفسیر یک سطر جفنگ پوچ مستمع، سه روز در تحیر مانده ای، سؤال می کنم لغت تابع معنی یا معنی تابع لغت است»<sup>۸</sup>

میرزا آقاخان کرمانی نوشته: «از هفت صد سال پیش هر کس خواسته اثری ادیبانه پدید آورد تنها طرح گلستان سعدی را پیشنهاد خود ساخته است ... یکی خواسته در ضمن حکایات طیور و وحوش پادشاهان را تصحیف گوید و فلان درویش پنداشته که از زبان پری و سروش به ابناى ملوک قانون سلوک تواند آموخت. همه از این معنی دقیق غفلت ورزیده اند که حکایت شیر و روباه تا چه مقدار مایه ی تنبه و غیرت وزیر و شاه تواند شد و قصه ی موش و خرگوش تا چه حد مایه ی بیداری و عبرت درویش و گدا خواهد بود.»<sup>۹</sup>

و اما علی اکبر دهخدا (فوت ۱۳۳۴ هـ. ش) یکی از بزرگ ترین منتقدان دوره ی مشروطه زبان و ادبیات طبقات و اقشار فرودست و متوسط را برگزید. به قولی «ادبیات طبقات سوداگر و بازرگان، کاسب کار و پیشه ور، دهاتی و شهری، لوطی و پنطی»<sup>۱۰</sup>

دهخدا در روزنامه ی صور اسرافیل قلم می زد. این روزنامه مانند چند روزنامه ی دیگر آن عصر در ایجاد اندیشه های جدید و معرفی

نثر ساده و پر تحرک با فلسفه و تفکر جدید تأثیری عمیق داشت. مقالات دهخدا در این روزنامه با نام «چرند و پرند» چاپ می شد. دهخدا در نوشته هایش خواست طبقات محروم و مسایل سیاسی روز را مطرح می کرد و به انتقاد و روشنگری می پرداخت و با خرافات و تسلیم و بی ارادگی در برابر قضا و قدر به معنی جبری آن سرستیز داشت و با عزلت و گوشه گیری و خیالات واهی و حيله گری های سیاسی مبارزه می کرد.

نثر دهخدا آهنگ به خصوصی دارد که از خصلت ساده نگاری و مضمون نوشته اش برمی آید. او با تکرار کلمات و جملات و تکرار فکر و مضمون به گونه های مختلف به ایجاد سبکی ویژه موفق شد و زمینه را برای قصه نویسی پس از خود آماده کرد. همچنین دهخدا از صناعت گفت و شنود و تک گویی های بلند برای داستانی کردن نوشته سود برده است. به این قطعه بنگریم:

«باری، چه در درس بدهم، آن قدر گفت، گفت، گفت تا ما را به این کار واداشت، حالا که می بیند آن روی کار بالاست دست و پایش را گم کرده. تمام آن حرف ها پادش رفته؛ تا یک فرآش قرمزپوش می بیند دلش می تپد، تا به یک ژاندارم چشمش می افتد رنگش می پرد، هی می گویم عزیزم، من که یک دخو بیشتر نبودم، چهار تا باغستان داشتم، باغبان ها آبیاری می کردند، انگورش را به شهر

می بردند، کشمش را می خشکاندند فی الحقیقه من در کنج باغستان افتاده بودم تو؛ ناز و نعمت، همان طور که شاعر علیه الرحمه گفته:

نه بیل زدم نه پایه

انگور خوردم در سایه

در واقع این کار را تورو می دست گذاشتی. به قول تهرانی ها مرا رو بند کردی تو دست مرا توی حنا گذاشتی، حالا دیگ تو چرا شماتت می کنی؟ می گوید: نه، نه رشد زیادی مایه ی جوان مرگی است می بینم: راستی راستی هم که دمدم است»<sup>۱۱</sup>

## نتایج تحول نثر

از رهگذر تحول نثر و تغییر وظایف کارکردهای آن تغییرات دیگری حاصل شده در نثر داستانی نمودی ویژه دارد از جمله:

### ۱- تغییرات صرفی و نحوی

الف- اگر در نثر کهن واژه های یونانی عربی، مغولی و ... به زبان راه یافته، در نثر جدید شماری از واژه های اروپایی در نوشته دیده می شود.

ب- از شمار واژه های عربی در نثر داستانی کاسته شده است.

با شمارش حدود دو هزار واژه از جاهای مختلف هر یک از کتاب های زیر درصد لغت های عربی به طور نسبی چنین است:

آثار	در صد نسبت به کل واژه ها	در صد اسم ها، قیدها و صفت ها
آثار طالبوف	۳۵-۴۵	۵۵
چرند و پرند	۱۹	۲۲
یکی بود یکی نبود	۱۸	۳۰
بوف کور	۱۱	۳۵
مدیر مدرسه	۱۵	۳۹
کلیدر	۶	۱۸

پ - واژه‌ها، اصطلاحات، کنایات و ماییم عامیانه وارد نثر شده به گونه‌ای که رشته‌های برخی از داستان نویسان مانند محمد علی جمال زاده، صادق هدایت و جلال آل احمد منبع بی نظیر فرهنگ عامه است. جمال زاده در این باره می‌نویسد:

«از مهم‌ترین فایده‌های رومان و انشای رومانی فایده‌ای است که از آن عاید زبان و لسان یک ملت و مملکتی می‌گردد؛ چون که فقط نشای رومانی که مقصود از آن انشای حکایتی باشد خواه به شکل کتاب یا قطعه‌ی تیاتر و یا نامه غیر هم می‌تواند موقع استعمال برای تمام کلمات و تعبیرات و ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات و ساختمان‌های مختلف کلام و هججه‌های گوناگون یک زبان پیدا کند و حتی در واقع جعبه‌ی حبس صوت گفتمان طبقات و دسته‌های مختلفی یک ملت باشد در صورتی که انشاهای قدیمی (کلاسیک) و علمی و غیره این خدمت را از عهده نمی‌تواند برآید»<sup>۱۶</sup>

به دلیل تأثیر واژه‌های محلی و لهجه‌های قاطب دور و نزدیک علاوه بر آن که واژگان زبان نوع یافته به غنای زبان فارسی معیار (رسمی) نیز افزوده شده است. برای نمونه اصطلاحات و تعبیرات مردم جنوب از نوشته‌های صادق چوبک، احمد محمود، منیر روانی پور و قاضی ربیحاوی و اصطلاحات خراسانی از آثار محمود دولت‌آبادی و تعبیرات تهرانی از آثار هدایت و جمال میرصادقی به نثر داستانی راه یافت.

ت - نثر نوین به ویژه نثر داستانی شدیداً متأثر از شیوه‌ی محاوره و گفتار افشار و لایه‌های اجتماعی شهری و روستایی است و به همین دلیل ویژگی‌های دیگری پدید آمده است همچون:

- به کار رفتن ضمائم متصل با بسامد زیاد

- حذف فراوان فعل‌ها

- درهم ریختن ساختار نحوی

- ساده شدن نحو زبان و رهایی از قیود و

تعبیرات نحو عربی و نحو شعر قدمایی  
- کوتاهی جملات و به طور کلی کوتاه و ساده شدن فعل‌ها و حروف

## ۲- تحول در توصیف

توصیف پدیده‌ها، شخصیت‌های داستانی، طبیعت، شهرها و روستاها، حالات و ظواهر آدم‌ها در نثر نوین عینی، کوتاه و مشخص است؛ مثلاً هدایت با صفات ساده و روشن و جمله‌های کوتاه و موجز توصیف می‌کند و درورای وصف ظاهری، شیوه‌ی درون‌کارانه‌ی خود را به کار می‌بندد.

«این یک سنگ اسکاتلندی بود که پوزه‌ی کاه دودی و به پاهایش خال سیاه داشت، مثل این که در لجن زار دویده و به او شتک زده بود. گوش‌های بلبله، دم براغ، موهای تابدار چرک داشت و دو چشم باهوش آدمی در پوزه‌ی پشم‌آلود او می‌درخشید. در ته چشم‌های او یک روح انسانی دیده می‌شد، در نیم شبی که زندگی او را فرا گرفته بود یک چیزی بی‌پایان در چشم‌هایش موج می‌زد»<sup>۱۷</sup>

در سبک آل احمد طرز بر خورد آدم‌ها با یکدیگر، شغل‌ها، اخلاقیات، پایگاه اجتماعی افراد و... به خوبی و روشنی توصیف می‌شوند و نویسنده آن‌ها را با چند مشخصه‌ی کوتاه و بیرونی وصف می‌کند مثلاً در بخش دوم مدیر مدرسه هجده تصویر ارائه و هر کدام جدا جدا به وصف درآمده است.

«معلم کلاس سه یک جوان ترکه‌ای بود؛ بلند و با صورت استخوانی از ته تراشیده و یخه‌ی بلند آهاردار...»<sup>۱۸</sup>

در نثر صادق چوبک یکی از صادق‌ترین و زیباترین توصیف‌ها دیده می‌شود. او توصیف را در خدمت عناصر داستان می‌گیرد و از آن برای بافت کلی داستان‌ها بهره می‌برد. چوبک در توصیف آدم‌هایش درونه‌ی آن‌ها را نیز رومی‌کند.

«مراد یک مشت استخوان متحرک و یک

فهم تند آمیخته با بدبینی شدید و یک رشته معلومات زنگ‌زده...»<sup>۱۹</sup>

چوبک همانند هدایت بینش خود را که جنبه‌ی سبکی دارد در توصیف نشان می‌دهد.

«رنگ شب پریده بود»<sup>۲۰</sup> «پشت انبوه نخل‌های سیاه گر گرفته و ماه پهن مالاریایی زرد انبویی زیر پرده‌ی نازک غبار به لرزه درآمد، هنوز حرم خورشید توافق غرب خون می‌افشاند.»<sup>۲۱</sup> سیمین دانشور در توصیف شیوه‌ی ای گزار شگونه و عینی دارد:

«در یک قدح چینی گل مرغی برایشان افشردی آب لیمو ترش آورد یک قاشق چینی گل مرغی هم با نقش قدح در قدح بود.»<sup>۲۲</sup> اغلب نوشته‌های دانشور تغزلی و شاعرانه است:

«یاد زمستان به خیر که لب جوی‌ها، نرگس‌ها باز می‌شدند و عکس خود را به آب یادگاری می‌دادند و آب می‌گذشت. گمشان می‌کرد و به حوض می‌ریخت بی‌این که آدم بیندش فقط صدای گذرش را می‌شنید و بهار که می‌شد بنفشه‌های سفید و بنفش نجیبانه به آب گذرا سلام و علیک می‌کردند و هیچ توقعی نداشتند»<sup>۲۳</sup>

یا:

«خورشید با سر شاخه‌های بید مجنون جلو حیاط که نه از شرمساری بلکه به عادت همیشگی سر به زیر داشتند سلام و احوال‌پرسی کرد، بعد روی کاج‌ها خستگی در کرد و برای ثواب به درخت‌های لخت سرکشید، صبح به خیر گفت... درخت‌ها سر تکان دادند. انگار تو زدند ما که حمام نرفته ایم. خورشید به خنده شکفت و گفت: غمتان کم. آسمان بغض می‌کند و بغضش که ترکیب سر و تن شما می‌شود.»<sup>۲۴</sup> دولت‌آبادی نیز علی‌رغم آن که در بسیاری موارد دچار اطناب می‌شود، توصیف‌های عینی و دقیق دارد. وی می‌کوشد در شیوه‌ی خود به عمق آدم‌ها نقب بزند و از چهره‌ی ظاهری به راز درون بپردازد. زیباترین توصیف‌های او را

درباره‌ی مدیر و اسبش در رمان بزرگ کلیدر می‌توان دید.

نادر ابراهیمی با توصیف‌های تغزلی و کنایه داستان را روایت می‌کند:

«غروب، غروب افسرده‌ای بود. بوی اسفند و آواز بلدرچین بر سوگواری زمان می‌افزود»<sup>۲۱</sup>  
در نشر محسن مخملباف توصیف با جملاتی ساده در خدمت پیشبرد وقایع داستانی است:  
«بچه آرام نشد، عالیه کلافه شده از خشم با چنگ صورتش را کند. نشست و پیراهنش را جر داد. بچه را زمین گذاشت و شروع کرد خودش را زدن. چادر از سرش به کناری افتاد و خودش را دوباره زد. بچه دوباره رویه‌اش رفته، عالیه خاک از زمین برداشت و به سر ریخت»<sup>۲۲</sup>

### ۳- تنوع مضامین و قالب‌ها

داستان‌های اقلیمی، شهری، روستایی، اجتماع‌نگارانه، کودکانه، زنانه و... هر کدام بانثر و محتوایی ویژه نگارش یافته‌اند، نیز داستان‌ها و رمان‌های تاریخی، علمی، فلسفی، سیاسی، عاشقانه، پلیسی، مذهبی، اساطیری روان‌کاوانه بانثر و سبکی مخصوص پدید آمده‌اند.

مکتب‌های فلسفی و ادبی قرون نوزده و بیست اروپا چون موسیالیسم، اگریستانسیالیسم، نهیلیسم، رمانتیسم، رئالیسم، سوررئالیسم، ناتورالیسم و... در ادبیات داستانی معاصر تأثیری بی‌چون نهاده‌اند.

اساطیر یونانی، رومی، عبری و هندی نیز ردپای آشکاری در داستان معاصر دارند. از بین نمونه‌های کهن، اسطوره‌ها و افسانه‌ها با ساختار و مضمون‌نشان دست‌مایه‌ی برخی داستان‌نویسان بوده است. برای نمونه **نون والقلم** ل‌احمد بازسازی یک افسانه‌ی کهن و تطبیق آن با مقتضیات زمانه است.

شاهان، فیلسوفان، عارفان و حکیمان از کسانی بوده‌اند که مورد توجه واقع شده‌اند؛ همچون کوروش، داریوش، نادر، سرداران، شیخ اشراق، سعدی و... یکی از آخرین

نمونه‌های بازسازی شخصیت رمان اشراق (۷۳) از میثاق امیر فخر است که نویسنده در آن به شیخ شهاب‌الدین سهروردی پرداخته است.

طی یک سده در داستان معاصر، عشق (رمان‌های فرنگیس، زیبا، چشم‌هایش)، انسان و حیوان (سگ و لگردد، انتری که لوطیش مرد)، نهضت ملی‌نفت (سرگذشت کندوها، چراغانی در باد، همسایه‌ها)، آموزش و پرورش (مدیر مدرسه)، ستیز با خرافات و تعصب (مرقدآقا)، روستا و اصلاحات ارضی (نفرین زمین)، اشراف (شازده احتجاب، دایی جان ناپلئون)، مسایل زنان (شوهر آمو خانم، طویا و معنای شب)، سرمایه‌داری معاصر (حاجی آقا)، روشنفکران (شب هول، ثریا در اغما)، جنوب شهر و اختلاف طبقاتی (پرگاه)، سنت‌ها (دید و بازدید، سووشون)، مسایل کارگری و کسب و کار، (بچه‌های قالی‌باف‌خانه)، شورش و قیام علیه ستمگران (تنگسیر، سووشون)، جنگ جهانی دوم (سووشون)، سیاست (چشم‌هایش)، استبداد و تزویر (بوف کور)، انقلاب (زننده باد مرگ، رازهای سرزمین من)، جنگ (سروداروندرو، زمین سوخته) و ده‌ها موضوع دیگر داستانی شده است.

پس از انقلاب شخصیت‌ها و موضوعات جدید به عرصه‌ی داستان راه یافته‌اند. انقلاب و ضدانقلاب، جنگ، سیاست، نظامیان، روحانیان، روشنفکران، سپاهیان، شهیدان، جانبازان، مزدوران بیگانه، از وطن گریختگان و... از جمله آن‌هاست. نقطه‌ی مشترک مضمون‌ها و شیوه‌های داستان‌نگاری یک سده‌ی اخیر توجه **خلاقه به شخصیت‌ها و تیپ‌هایی** است که در اجتماع نمونه‌های نوعی آن‌ها بسیار است. در واقع جوهره‌ی **ثر داستانی تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی در قالب داستان و تجسم زندگی انسان در جامعه، کوشش در شناخت و تحلیل روابط اجتماعی و پرداختن به روابط بین فرد و جمع و حتی تلاش برای تحلیل بنیادین اجتماع و درک ساختار جامعه از دیدگاهی واقع‌گرایانه است.**

قالب‌ها و ساختارهای داستانی نیز متنوع گونه‌گون است. سفرنامه، خاطره، داستان‌های کوتاه و بلند، رمان، نمایش‌نامه، افسانه و قصه قالب‌های مورد توجه داستان‌نویسان معاصر بود است. این قالب‌ها همسو با موضوع و محتوای داستان‌ها و شخصیت‌هایش در حرکت متکامل تنوع و گسترش یافته‌اند به نمونه‌هایی بنگریم:

داستان کوتاه افسانه‌وار: هفت گیسوی خونین (بهرام صادقی)

داستان کوتاه لطیفه‌وار: کباب‌غاز (محمدعلی جمال‌زاده)

داستان بلند سوررئالیستی: بوف کور (هدایت)

داستان بلند رئالیستی و انتقادی: مدیر مدرسه (آل احمد)

رمان رسالتی (مرامی): چشم‌هایش (بزرگ علوی)

رمان جریان‌سیال ذهن: شازده احتجاب (هوشنگ گلشیری)

رمان حادثه‌ای و بازاری: آفت (حسین قلی‌مستعان)

رمان پلیسی و جنایی: شراب‌خا (اسماعیل فصیح)

رمان اقلیمی: کلیدر (محمود دولت‌آبادی)

رمان احساساتی: هما (محمدحجازی)

رمان اعتراضی (حسب حال): حرف و سکوت (محمودکیانوش)

رمان کلیددار: نیمه‌راه بهشت (سعید نفیسی)

رمان تاریخی: ده نفر قزلباش (حسین مسرور)

رمان اجتماعی: تهران مخوف (مشق کاظمی)

رمان سیاسی: رازهای سرزمین من (رضابراهنی)

رمان جنگ: سروداروندرو (منیژه‌آرمین)

رمان انقلاب: جزیره‌ی سرگردانی

– رمان داستان – سفرنامه : سیاحت نامه ی  
 ابراهیم بیگ (زین العابدین مراغه ای)  
 – قصه – رمان : نون والقلم (آل احمد)  
 – سفرنامه – رمان : آینه های دردار  
 هوشنگ گلشیری)  
 – خاطره – داستان : گلدسته ها و فلک  
 جلال آل احمد)  
 – داستانک : غم های کوچک (امین فقیری)

### ۱- تنوع سبک ها

در نثر داستانی جدید از نظر سبک نیز تنوع  
 گوناگونی بسیار است و می توان آن را براساس  
 دیدگاه های مختلف به انواع زیر تقسیم کرد.<sup>۳۳</sup>  
 ۱- تقسیم سبک براساس نام نویسنده :  
 سبک جمال زاده، سبک هدایت، سبک آل  
 حمد، سبک دولت آبادی  
 ۲- تقسیم سبک براساس کتابی مشهور :  
 سبک بوف کور، سبک شازده احتجاب،  
 سبک همسایه ها، سبک کلیدر  
 ۳- تقسیم سبک براساس نام دوران یا  
 سلسله ی حکومتی یا حوادث سیاسی – اجتماعی  
 ثل سبک دوره ی قاجاریه، سبک دوره ی  
 شروطه، سبک دهه ی بیست، سبک دهه ی  
 چاه  
 ۴- تقسیم سبک براساس مضمون و محتوا  
 ثل سبک داستان های دینی (ترکه های درخت  
 بالو – اکبر خلیلی)، داستان فلسفی (اشراق –  
 یثاق امیر فجر)، تاریخی (شمس و طغرا –  
 محمد باقر میرزا خسروی)، سیاسی (رازهای  
 مرزمن من – رضا برهانی)، اجتماعی (تهران  
 خوف – مشفق کاظمی)  
 ۵- تقسیم سبک براساس مکان و جغرافیا :  
 سبک تهرانی (آثار آل احمد)، مکتب جنوب (آثار  
 حمد محمود)، مکتب تبریز (غلامحسین  
 باعدی)، مکتب خراسان (محمود دولت آبادی)  
 ۶- تقسیم سبک براساس گروه یا طبقه ی  
 اجتماعی مثل سبک عامه، سبک اشرافی، سبک  
 هقانی به ترتیب در نوشته های جمال زاده،  
 محمد حجازی، محمود دولت آبادی

۷- تقسیم سبک براساس هدف و منظور  
 نویسنده مثل تعلیمی (خانه ای برای شب – نادر  
 ابراهیمی)، شاعرانه (باردیگر شهری که دوست  
 می داشتم – نادر ابراهیمی)، فکاهی و کمیک  
 (دای جان ناپلئون – ایرج یزشکزاد)، پلیسی (فیل  
 در تاریکی – قاسم هاشمی نژاد)

۸- تقسیم سبک براساس زاویه ی دید و  
 شیوه ی روایت مثل رمان به روایت دانای کل  
 (کلیدر)، و دانای کل محدود (سوشون)، و  
 جریان سیال ذهن (شازده احتجاب)، رمان  
 به شیوه ی نامه نگاری (گل هایی که در جهنم  
 می روید – محمد مسعود)، داستان به شیوه ی  
 یادداشت (زننده به گور – صادق هدایت)

۹- تقسیم سبک براساس دیدگاه های  
 مکاتب ادبی غرب مثل سبک رئالیستی (آثار  
 جلال آل احمد)، سبک ناتورالیستی (صادق  
 چوبک)، سبک سوررئالیستی (برخی نوشته های  
 صادق هدایت)

### توضیحات:

۱- بزرگ علوی در «میرزا» و اسماعیل  
 فصیح در «ثریاد راعما» و هوشنگ گلشیری در  
 «آینه های دردار» به این مسأله توجه کرده اند.  
 ۲- سیاحت نامه ی ابراهیم بیگ،  
 زین العابدین مراغه ای، ص ۵۷  
 ۳- حسن عابدینی: درباره ی حکایت  
 یوسف شاه می نویسد: «برای یافتن نخستین رمان  
 ایرانی باید به سال ۱۲۵۳ شمسی بازگردیم؛  
 سالی که ستارگان فریب خورده – حکایت یوسف  
 شاه نوشته ی م. ف. آخوندزاده  
 (۱۲۵۷-۱۱۹۱) را میرزا جعفر قراچه داغی  
 به فارسی برمی گرداند. این داستان در حقیقت  
 یک رمان کوتاه تاریخی است؛ زیرا ماجراهایش  
 در زمان شاه عباس صفوی رخ می دهد اما  
 نویسنده از این قالب تاریخی برای ترسیم  
 واقعیت های زمان خود به شیوه ای انتقادی بهره  
 جسته است» (صدسال داستان نویسی در ایران،  
 ج ۱، ص ۲۰). جلال آل احمد بعدها  
 نون والقلم را با همین شیوه و با الهام از همین

موضوع درباره ی شکست نهضت ملی نفت  
 نوشته است.

۴- داستان کوتاه در طی یک سده  
 داستان نگاری ایران همیشه مورد توجه بوده؛  
 تا جایی که پس از انقلاب یکی از قالب های  
 گسترش یافته و پررونق بوده است. (ر. ک.  
 شکوفایی داستان کوتاه در دهه ی نخستین  
 انقلاب، صفدر تقی زاده، ۷۳)

۵- به نقل از صبا تا نیما، یحیی آرین پور،  
 امیرکبیر، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۸۳

۶- تمثیلات، میرزا آقا تبریزی، ص ۸

۷- سیاحت نامه ی ابراهیم بیگ، ص ۲۴۰

۸- مسالک المحسنین، عبدالرحیم  
 طالبوف تبریزی، ص ۲۳۳

۹- اندیشه های میرزا آقاخان، فریدون  
 آدمیت (تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، ص ۲۱۲)

۱۰- نقد ادبی، دکتر عبدالحسین زرین کوب  
 (امیرکبیر، ج ۲، ص ۶۲۶)

۱۱- از صبا تا نیما، (ج ۲، ص ۱۰۰)

۱۲- یکی بود یکی نبود، محمد علی  
 جمال زاده (دیپاچه، ص ۸-۹)

۱۳- سگ ولگرد، صادق هدایت  
 (جاویدان، ۱۳۵۶، ص ۱۰)

۱۴- مدیر مدرسه، جلال آل احمد  
 (امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۰، ص ۱۳)

۱۵- خیمه شب بازی، صادق چوبک  
 (جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۵۴، ص ۲۵)

۱۶ و ۱۷- تنگسیر، صادق چوبک  
 (جاویدان، ۱۳۵۵، ص ۱۱۹، ص ۲۵۶)

۱۸- سوشون، سیمین دانشور  
 (خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۱۵۹)

۱۹- همان، ص ۵۷

۲۰- جزیره ی سرگردانی، سیمین دانشور  
 (تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲)

۲۱- آتش بدون دود، نادر ابراهیمی  
 (روزبهان، ۱۳۷۱، ص ۵۱)

۲۲- باغ بلور، محسن مخملباف (نشری،  
 ۱۳۷۰، ص ۳۵۱)

۲۳- اقتباس از تقسیم بندی ارسطو درباره ی  
 سبک های نویسندگان یونان